**علم كتاب تماما نزد اميرالمؤمنين علیه السلام است**

نویسنده: سيد محمد نجفى يزدى

بِسْمِ اللّهِ الْرَّحْمنِ الْرَّحيمْ

خداوند متعال در قرآن مجيد مى فرمايد:  
((**و يقول الذين كفروا لست مرسلا قل كفى بالله شهيدا بينى و بينكم و من عنده علم الكتاب** (1) ؛ كافران مى گويند شما فرستاده خداوند نيستى ، بگو كافيست كه خداوند و كسى كه علم كتاب در نزد اوست ميان من و شما گواه باشد.))

و پوشيده نيست كه قرآن مجيد، علم الكتاب را اقيانوسى از دانش مى داند كه اسرار هستى در آن نهان است ، مثلا در يك جا مى فرمايد:  
((**و ما من غائبة فى السماء والارض الا فى كتاب مبين** (2) ؛ هيچ غيبى در آسمان و زمين نيست مگر اينكه در كتاب آشكار قرار دارد.))  
و در جاى ديگر مى فرمايد: هيچ ذره اى در آسمان و زمين و يا كمتر و يا بيشتر نيست مگر اينكه خداوند آنرا مى داند و در كتاب مبين قرار دارد. (3)  
و در جاى ديگر بطور واضح مى فرمايد: كليدهاى غيب نزد خداوند است ، به جز او كسى از آن آگاه نيست ، او مى داند آنچه در خشكى و درياست ، هيچ برگى بر زمين نمى افتد مگر اينكه مى داند، هيچ دانه اى در تاريكى زمين و هيچ تر و خشكى نيست مگر اينكه در كتابى واضح قرار دارد.((**و لا رطب و لا يابس الا فى كتاب مبين**)) (4)  
و بالاخره براى اينكه به عظمت اين علم الكتاب بيشتر آگاه شويم نگاهى مى اندازيم به داستان حضرت سليمان و بلقيس كه در قرآن مجيد آمده است .  
در اين جريان ، حضرت سليمان از اطرافيان خود پرسيد: كداميك از شما تخت بلقيس را قبل از اينكه او و افرادش بيايند نزد من حاضر مى كند؟ يكى از جنيان گفت : من آن تخت را قبل از اينكه شما از جاى خود برخيزى حاضر مى كنم !  
در اين ميان قرآن مى گويد: كسى كه در نزد او دانشى بود ((**قال الذى عنده علم من الكتاب**)) گفت: من آنرا زودتر از بهم خوردن پلك چشم تو حاضر مى كنم (5) و اين كار را كرد.  
توجه داريد كه قرآن مجيد دارنده اين قدرت رابه عنوان كسى كه اندكى از علم كتاب را دارد ياد مى كند، و از اين نكته معلوم مى شود كه دانش اين كتاب بايد بسيار گسترده باشد كه اندكى از آن ، اينگونه انسان را قدرتمند مى كند و لذا در احاديث متعدد از اهل البيت عليهم السلام ذكر شده است كه فرمودند: دانش آنكه بخشى از علم الكتاب را داشت در مقابل دانش ‍ كسى كه تمامى علم كتاب را دارد همانند ترى بال مگسى است از آب دريا!! (6)  
آرى و با تكيه بر همين علم و منبع بود كه عده اى از اصحاب امام صادق عليه السلام مثل عبدالاعلى و عبيدة بن عبدالله بن بشير همگى از امام صادق عليه السلام شنيدند كه مى فرمود: من مى دانم آنچه در زمينها و آنچه در بهشت و آنچه در جهنم و آنچه بوده و آنچه خواهد بود، آنگاه حضرت اندكى درنگ نمود و چون ديد كه اين سخن بر شنوندگان سنگين آمد فرمود: من اينها را از كتاب خدا مى دانم ، خداوند مى فرمايد: در قرآن است بيان همه چيز. (7)  
روايات اهل البيت عليهم السلام قاطعانه اعلام مى دارد كه صاحب اين علم ، اميرالمؤمنين عليه السلام و پس از او ائمه اطهار عليه السلام از اولاد معصومين او مى باشند.  
پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله به ابو سعيد خدرى كه از آن آيه مباركه پرسيده بود فرمود: او برادرم على بن ابيطالب است . (8)  
و امام صادق عليه السلام در حديث صحيح فرمود: ((**الذى عنده علم الكتاب هو الميرالمؤمنين عليه السلام** ؛آنكه در نزد او دانش كتاب است همان اميرالمؤمنين عليه السلام است .)) (9)  
يكى از اصحاب امام باقر عليهم السلام از حضرت در مورد آيه مذكور سؤ ال كرد، حضرت فرمود: ما (اهل البيت عليه السلام ) هستيم و على اول ما و برترين ما و نيكوترين ما بعد از پيامبر اكرم عليه السلام مى باشد. (10)  
امام صادق عليه السلام به عبدالله بن وليد فرمود: مردم در مورد پيامبر اولوالعزم و اميرالمؤمنين چه مى گويند؟ عرض كردم: هيچكس را بر پيامبران اولوالعزم مقدم نمى كنند.  
امام عليه السلام فرمود: خداوند تبارك و تعالى در مورد موسى عليه السلام فرمود: ((**و كتبنا له فى الالواح من كل شىء موعظة** (11) ؛ براى او در آن لوحها برخى از مواعظ را نوشتيم.)) و نفرمود تمامى موعظه ها را، و در مورد عيسى عليه السلام فرمود: ((**و ليبين لكم بعض الذى تختلفون فيه** ؛ (12) تا عيسى براى شما برخى از موارد اختلاف را بيان كند.)) و نفرمود همه آن را، اما در مورد اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: ((**قل كفى بالله شهيدا بينى و بينكم و من عنده علم الكتاب** (13) ؛ بگو خدا و كسى كه تمامى علم كتاب نزد اوست ميان من و شما براى گواهى كافيست.))  
و سپس حضرت براى اينكه عظمت اين دانش ، معلوم گردد به آيه ديگر استناد جسته فرمود: خداوند عزوجل فرموده است: ((**و لا رطب و لا يابس الا فى كتاب مبين**)) (14) آنگاه حضرت صادق عليه السلام فرمود: علم اين كتاب (با اين عظمت) نزد على عليه السلام است. (15)  
----------------------------------------------------  
1- رعد، 43.  
2- نمل ، 75.  
3- سبا،3.  
4- انعام ، 134.  
5- نمل ،40.  
6- تفسير نورالثقلين ، ج 4، ص 87 ازتفسير على بن ابرهيم .  
7- بصائرالدرجات ، ص 127و128.((و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شى ء))-89نحل .  
8- تفسير نورالثقلين ، ج 2، ص 523 از امالى صدوق (ره ).  
9- همان ، ج 2،ص 523 از تفسير على ابن ابراهيم .  
10- همان ، ج 2، ص 521 از اصول كافى .  
11- اعراف ، 145.  
12- زخرف ، 63.  
13- رعد، 43.  
14- انعام ، 59.  
15- الاحتجاج ، ج 2، ص 139.